

پیش از توضیح به این نکته اشاره می کنیم که یکی از تقسیم بندی های اسم "جامد و مُشْتَق" است. این عنوان در کتاب درسی ذکر نشده، اما در بعضی از سؤال های خارج از کتاب با این عنوان آمده، پس باید با آن آشنا باشیم.

جامد: اسمی که از فعلی ساخته نشده است. جامد آن است که مشتق نباشد!

مشتق: اسمی که از فعلی ساخته شده است.

از بین جامد و مشتق، مشتقات تقسیم بندی دارند و کارا برای تشخیص ساده می کنند و در کتاب های نظام جدید طی دو درس به آن ها پرداخته شده است: درس اول و دوم پایه ی یازدهم انسانی

مشتقات: اسم تفضیل، اسم مکان، اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه (البته مشتقات انواع دیگری نیز دارند که از کتاب درسی نظام جدید حذف شده است).

برای مذکر: **أَفْعَل** (اکْبَر = بزرگ تر) // جمع: أَفَاعِل (أكابر = بزرگ ترها)

۱. اسم تفضیل

برای مؤنث: **فَعْلَى** (کُبْرَى = بزرگ تر) // جمع: فُعَلِیَات (کُبْرِیَات = بزرگ ترها، کبری ها)

اسم تفضیل، معادل صفت برتر (تفضیلی) و برترین (عالی) در زبان فارسیست و همان طور که از نامش پیداست، برتری را می رساند و زمانی از آن استفاده می کنیم که بخواهیم برتری کسی یا چیزی را چه در مقام مقایسه، چه در حالت معمولی بیان کنیم:

علی از محمد کوچک تر است. : عَلِيٌّ أَصْغَرُ مِنْ مُحَمَّدٍ. علی کوچک تر، داناست. : عَلِيٌّ الْأَصْغَرُ عَالِمٌ.

علی، کوچک ترین برادرم است. عَلِيٌّ أَصْغَرُ أَخِي. علی، کوچک ترین برادرانم است. عَلِيٌّ أَصْغَرُ إِخْوَتِي.

****مهم:** درست است که برای اسم تفضیل وزنی برای مذکر و وزنی برای مؤنث ذکر شده، اما در کجاها کاربرد دارد؟

همه جا از وزن "أَفْعَل" استفاده می کنیم، مگر وقتی که بخواهیم صفتی برای یک اسم مؤنث ذکر کنیم (در آن صورت: فَعْلَى).

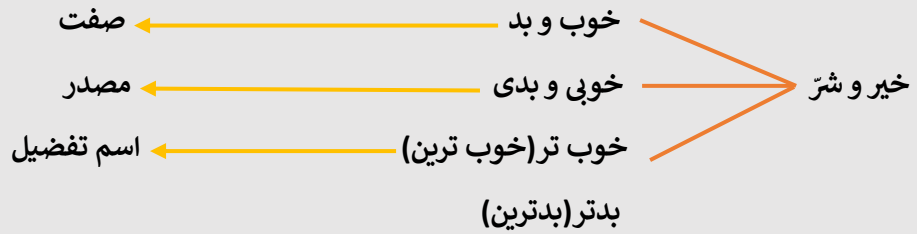
در مقام مقایسه: مریم از فاطمه برتر است. مَرِيْمٌ أَفْضَلُ مِنْ فَاطِمَةَ.

مبتدا خبر جار و مجرور

ذکر صفت برای اسمی مؤنث: مریم برتر، زیباست. مَرِيْمٌ الْفُضْلَى جَمِيْلَةٌ.

مبتدا صفت مریم خبر

* دو کلمه ی "خیر" و "شر" علاوه بر معانی مختلفشان، گاهی مفهوم اسم تفضیل را دارند.



ترجمه ی اسم تفضیل:

"مِن" بیاید ← تر: **أَجْمَلُ مِنْ** .. : زیباتر از ..

اگر بلافاصله بعد از اسم تفضیل اسم بیاید ← ترین: **أَجْمَلُ الغابات** : زیباترین جنگل ها

نه "مِن"، نه اسم ← متناسب با جمله

یا: صفت ساده : **بالتی هی أَحْسَنُ** : با آن چه که خوب (یا بهتر) است.

یا: تر: **والآخرة خَيْرُ** : و آخرت، بهتر است.

۲. «اسم مکان»

اسم مکان بر مکان دلالت دارد! ۳ وزن دارد:

مَفْعَل : مَجْمَع (محلّ جمع شدن، همایش)، مَلْعَب (ورزشگاه)، مَطْبَخ (آشپزخانه)

مَفْعِل : مَسْجِد (نمازخانه)، مَجْلِس (محلّ نشستن)، مَوْقِف (ایستگاه)

مَفْعَلَة : مَدْرَسَة (محلّ درس خواندن)، مَكْتَبَة (کتابخانه)، مَطْبَعَة (چاپخانه)

جمعشان: مَفَاعِل : مَجَامِع، مَسَاجِد، مَدَارِس

*توجه: کلماتی مانند مکان، مدار، مزار و منار اسم مکانند، زیرا اولشان مَ دارد و عین الفعلشان الف است (که شبیه فتحه می باشد).

